



درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: امارات و ظنون
موضوع جزئی: مجعول در باب امارات - مقام ثبوت - بررسی احتمال سوم
(ما یصح الاحتجاج به) - احتمال چهارم (جعل مؤدی) و بررسی آن
سال پانزدهم
تاریخ: ۸ بهمن ۱۴۰۲
مصادف با: ۱۶ رجب ۱۴۴۵
جلسه: ۷۲

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

بحث در کلام محقق اصفهانی بود. ایشان درباره مجعول در باب امارات فرمودند: حجیت به همان معنای عرفی و لغوی خودش یعنی ما یصح الاحتجاج به، مجعول است. سپس در ادامه فرمودند: حیثیت صحت الاحتجاج به اماره گاهی ذاتی است و گاهی جعلی و گاهی انتزاعی است. سپس در مقام استدلال هم به مفهوم و معنای لغوی حجیت استناد کردند و هم از راه تعیین این احتمال از میان سایر احتمالات تمسک جستند. لذا هم دلیل برای این امر آوردند و هم آن را تبیین کردند و توضیح دادند.

بررسی احتمال سوم (ما یصح الاحتجاج به)

در مورد کلام محقق اصفهانی ملاحظاتی داریم و مواضعی از سخن ایشان را جای تأمل می‌دانیم. هم راجع به آن بخشی که به اصل ادعای ایشان مربوط میشود و هم راجع به دلیلی که در این مقام بیان کردند.

اشکال اول

محقق اصفهانی فرمود که منظور از مجعول در باب امارات، نفس معنی الحجیة است؛ «و اما الثالث و هو اعتبار نفس معنی الحجیة» و بعد فرمودند: حجیت مفهوما لیست الا کون الشئ بحیث یصح الاحتجاج به؛ مفهوم حجیت چیزی جز این حیثیت در اماره نیست که می‌توان به سبب آن احتجاج کرد.

باید دید معنای حجیت این است؟ و آیا فرق ماهوی بین آنچه ایشان گفته یا محقق خراسانی یا محقق نایینی گفته است می‌باشد یا خیر؟ زیرا ما یصح الاحتجاج به یعنی اینکه مولا با آن می‌تواند عبد را مؤاخذه یا عقاب کند یا عبد با آن می‌تواند از خود در برابر مؤاخذه مولا دفاع کند؛ فرض کنیم خیر زراره از طرف شارع به عنوان چیزی قرار داده شده است که بتواند با آن در برابر عبد احتجاج کند، اینکه با آن بتواند در برابر عبد احتجاج کند، آیا حقیقتا غیر از آن است که بتواند با این سند و مدرک عبد را مؤاخذه کند و بگوید تو استحقاق عقاب داری یا عبد با استناد به آن در برابر مولا بگوید من استحقاق عقاب ندارم، من عذر دارم، زراره به من گفت که نماز جمعه در عصر غیبت واجب نیست و من ترک کردم، لذا اگر در واقع واجب بوده من استحقاق عقاب ندارم و عذر دارم.

پس کون الشئ بحیث یصح الاحتجاج به یعنی کون الشئ بحیث یوجب التنجز و التعذر، این غیر از معذرت و منجزیت چیزی نیست، اینکه محقق خراسانی فرمودند مجعول در باب امارات منجزیت و معذرت است معنایش همین است. یعنی هم استحقاق عقاب را

ثابت می‌کند و هم عذر درست کن است. آنچه که عبد با آن بر مولا احتجاج می‌کند یا مولا با آن بر عبد احتجاج می‌کند. پس فرمایش محقق اصفهانی به یک معنا تفاوت ماهوی با آنچه محقق خراسانی گفتند ندارد. البته با بیان محقق نایینی تفاوتی دارد.

اشکال دوم

ملاحظه کردید که ایشان برای اثبات اینکه مجعول در باب امارات عبارت است از حجیت به معنای کون الشیء بحیث یصح الاحتجاج به، به دو دلیل تمسک کرد:

یکی اینکه این معنا موافق با معنای مفهوم حجیت است، یعنی عرف و لغت هم مساعد این معناست و فرمود دلیلی ندارد با وجود اینکه می‌توانیم همان معنای لغوی را مجعول در باب امارات بدانیم، یک معنا و مفهوم دیگری را به عنوان مجعول ذکر کنیم. واقعش این است که این دلیل محکمی نمی‌شود بر مدعای ایشان، فوqش این است که یک مساعد است و الا این جنبه دلالت ندارد.

اشکال سوم

دلیل دوم ایشان متشکل از چند مقدمه است:

مولا اغراض واقعیه‌ای دارد و بر طبق آن اغراض احکام مولوی انشاء کرده است و اینکه نمی‌تواند یقین به تکلیف را شرط کند برای بندگان زیرا اگر شرط کند اکثر مردم به آن دسترسی پیدا نمی‌کنند یا خطا و اشتباه خواهند داشت، از طرف دیگر اگر بخواهد راه احتیاط را لازم کند موجب اختلال نظام است و منافی با حکمت الهی است و همچنین خبر ثقه اغلب مطابقت الی الواقع است. مخالفت با خبر ثقه و نادیده گرفتن آن خروج از زی عبودیت و ظلم بر مولا است و ظلم نیز چیزی است که فاعلش مورد مذمت و سرزنش قرار می‌گیرد.

پس ایشان از ضمیمه این مقدمات و اینکه چون نه راه طریقت و نه منجزیت و معذرت ثبوتاً ممکن نیست، نتیجه گرفته تنها راه و متعین همین است که ما گفتیم. ایشان با این مقدمات به ضمیمه اینکه طریقت و منجزیت و معذرت ثبوتاً ممکن نیست، (یعنی نه راه محقق خراسانی ممکن است و نه راه محقق نایینی، آن دو که از نظر مقام ثبوت مشکل دارد) نتیجه گرفته که مجعول، حجیت به معنای ما یصح الاحتجاج به است و این متعین است.

این مقدماتی که فرمودند صحیح است و قابل انکار نیست. اکثر مقدماتی که محقق اصفهانی گفتند یا همه آنها مقبول است. اما اینکه حجیت به این معنا فقط می‌تواند مجعول باشد، قابل قبول نیست. اینکه ایشان می‌گویند سایر طرق ثبوتاً ممکن نیست بالاخره جای بحث دارد. یک کسی ممکن است بگوید (چه بسا گفتند) از نظر ثبوتی محذوری ندارد که در باب امارات مجعولی نباشد. پس متعین دانستن مجعول در باب امارات در آن چیزی که محقق اصفهانی فرموده است این مورد قبول نیست. یعنی استدلال مبتنی بر عدم امکان ثبوتی سایر طرق است در حالیکه این معلوم نیست و جای بحث دارد به علاوه حتی اگر راه محقق خراسانی و محقق نایینی نیز ثبوتاً ممکن نباشد بالاخره از نظر ثبوتی امکان جعل مودی وجود دارد که شیخ انصاری گفتند یا اصلاً کسی بگوید که ما مجعولی نداریم که صورت مسئله عوض می‌شود ولی بالاخره در این احتمالات امکان جعل مودی که وجود دارد. لذا این دلیل ایشان مورد قبول نیست.

اشکال چهارم

این اشکال مربوط به حواشی سخن ایشان است و به متن مدعا و دلیل مربوط نمی‌شود.

ایشان گفت حجیت ظاهر جعلی و انتزاعی است. فرمود: ما سه نوع حجیت داریم: ۱. حجیت ذاتی؛ ۲. حجیت جعلی انتزاعی؛ ۳. حجیت اعتباری و جعلی. گفتند حجیت ظاهر یک حجیت جعلی انتزاعی است به این معنا که وقتی بنای عملی عقلا ملاحظه می‌شود بر اینکه از ظواهر کلمات پیروی می‌کنند و به آن ترتیب اثر میدهند، از این حیثیت ما حجیت را انتزاع می‌کنیم.

اشکال این است که اگر بنای عملی عقلا بر خود احتجاج بود، آنوقت می‌توانستیم بگوییم کون الشئ بنحو یصح الاحتجاج فیه، قابل انتزاع است. در حالیکه بنای عملی عقلاء بر این نیست. اصلا بنای عملی عقلاء بر صحت احتجاج است نه بر خود احتجاج. اینها با هم فرق می‌کند. به عبارت دیگر معنا و مفهوم حجیت یعنی کون الشئ یصح الاحتجاج به. این کون الشئ بهذا النحو در باب امارات جعل شده است، یعنی ظاهر به گونه‌ای است که با آن می‌شود احتجاج کرد نه اینکه بنای عملی بر یک چیز دیگری باشد و بعد حجیت را از آن انتزاع کنیم.

اشکال پنجم

اشکال دیگر این است که عقلاء اگر به خبر ثقه ترتیب اثر می‌دهند، این از باب اطمینانی است که برای آنها حاصل می‌شود. یعنی وقتی یک خبر ثقه نزد آنها قائم می‌شود و یک شخص قابل اطمینان خبری را برای آنها می‌آورد، این موجب اطمینان آنها نسبت به این خبر می‌شود و همین کفایت می‌کند برای اعتبار و ارزش و حجیت. اینجا کاری ندارند به اینکه حالا این سیره و بنا بر چه چیزی است؛ ... علی‌ای حال ملاک و معیار اعتبار خبر ثقه بر مبنای اطمینان استوار شده است. اطمینان هم که معتبر است و ملحق به قطع و جزم و یقین هم می‌باشد نه آن چیزی که ایشان فرموده است که دیدند که عقلاء در باب ظواهر یک بنایی دارد و بعد حجیت را از این انتزاع کرده باشند.

این اشکالاتی است که به نظر می‌رسد نسبت به این راه وجود دارد.

احتمال چهارم (جعل مودی)

یک احتمال دیگر در مقام ثبوت باقی مانده است که باید آن را بیان کنیم و آن احتمالی است که شیخ انصاری فرمود. ایشان فرمود آنچه در باب امارات مجعول است مودی است. ما توضیح دادیم منظور از جعل مودی چیست. یعنی وقتی خبر زراره قائم می‌شود بر وجوب نماز جمعه این خبر یک مودایی دارد که عبارت است از وجوب نماز جمعه؛ جعل مودی یعنی آنچه که این خبر بر آن دلالت می‌کند و این مجعول شارع است. یعنی وقتی خبر زراره قائم می‌شود بر وجوب نماز جمعه، شارع نیز می‌آید بر اساس این خبر مودی را جعل می‌کند.

بررسی احتمال چهارم

این احتمال ثبوتاً (ما در مقام ثبوت بحث می‌کنیم که آیا امکان دارد یا خیر) درست است یا خیر؟ ملاحظه کردید که ما در مورد راه محقق خراسانی و جعل استحقاق عقاب و ثواب بر مخالفت و موافقت گفتیم ثبوتاً محذور دارد زیرا این حکم عقلی است و حکم عقلی قابل جعل نیست. محقق نایینی گفتند تتمیم طریقیّت می‌کند، گفتیم که طریقیّت و کاشفیت نیز قابل جعل نیست، محقق اصفهانی گفتند خود معنای لغوی را جعل می‌کند که ملاحظه کردید اشکال داشت. حال از نظر ثبوتی آنچه که شیخ انصاری فرموده است امکان دارد یا خیر؟

جعل مودی محذور ثبوتی ندارد، مشکل عقلی و محذور عقلی پیش نمی‌آید که ما چنین حرفی را بزنیم. فقط یک مشکل توسط محقق نایینی بیان شده که گفته است وقتی مطابق مودی شارع چیزی را جعل می‌کند حکم واقعی چه می‌شود؟ آن چیزی که خدا قبلاً جعل کرده است چه می‌شود؟ بالاخره نزد خدا این نماز جمعه یا واجب بوده است یا حرام، حال شما می‌گویید مطابق این خبر چیزی را جعل می‌کند، اگر آن احکام واقعی فعلی شده باشد پس این چه می‌شود؟ آن وقت اینجا آن مشکل اجتماع حکم واقعی و ظاهری پیش می‌آید لکن این از نظر ثبوتی محذوری ندارد زیرا آنچه که شارع قبلاً جعل کرده مربوط به مقام انشاء و مرتبه انشاء است و اصلاً به فعلیت نرسیده است و چون به فعلیت نرسیده است خدا می‌تواند مطابق خبر زراره مودی را جعل کند، مشکل اجتماع حکم واقعی و ظاهری نیز پیش نمی‌آید.

پس راه چهارم ثبوتاً مشکلی ندارد.

«والحمد لله رب العالمین»